بسمه‌تعالی

مصاحبه شونده: آقای دکتر حمزه مدیر دبستان شهدای مرصاد منطقه 5

سابقه‌ی مدیریت: 23 سال رشته‌ و مقطع تحصیلی: مشاوره سابقه‌ی حضور در آموزش و پرورش: 24 سال تاریخ مصاحبه: /1401 محل مصاحبه:

پژوهشگر: چطور شد که مدیر شدید؟

به پیشنهاد همکاران و دوستان که تشخیص دادند در بعد مدیریتی می تونم کار کنم معرفی کردند و اداره هم همکاری کرد و رفتیم به این سمت.

رشته ی تحصیلی؟

مدیریت آموزشی.

کدام دانشگاه تدریس می کنید؟

فرهنگیان و پردیس مفتح، دانشگاه شهر قدس، پیامبر اعظم. دانشگاه علامه

چه دروسی تدریس می کنید؟

از شاخه های رشته ی مدیریت است دیگه. روش های تدریس. با بچه های مدیریت بازرگانی رفتارسازمانی کار میکنم.

تعریفتان از محیط یادگیری چیست؟

اول بگیم تعریف یادگیری رو. تغییر نسبتا پایدار بر اثر تجربه است دیگه. هر تغییری جزو یادگیری محسوب نمیشه. اون تغییری جزو یادگیری محسوب میشه که ما بتونیم حتما پایداری رو درش بوجود بیاریم. یعنی بعد از خروج از محیط یادگیری، دانش آموز یا آموزنده یا فراگیرنده تغییری رویش بوجود آمده باشه که ادامه ی کار رو انجام بده. اگه این امر صورت نگیره یادگیری صورت نگرفته. من تعریفم از یادگیری این بود. حالا شما بنا به حیطه ها، حیطه های یادگیری داریم، حیطه شناختی، روانی حرکتی و حیطه ی عاطفی. در هر حیطه ای ما باید سطح هایی که میخواهیم رو بهش برسیم. معمولا ما در بحث آموزشی پرورشی و بحث های ساختاری سیستم خودمون بیشتر سطح اول و شناختی رو دسترسی پیدا می کنیم. به سطوح بالاتر که شش سطحه و آخریش ارزشیابیه متاسفانه منجر نمیشه یادگیریهامون.

در دوره ی ابتدایی می گوئید یا همه؟

همه ی دوره ها

در حیطه ی شناختی ما میگیم اولین سطح دانشه بعد درک و فهمه بعد تجزیه و تحلیل و بعد ترکیب و ارزشیابی که ششمین سطحه، شما اگر در همه ی پایه ها برید بعد از درسی که معلم میگه ببینید دانش آموز به اون سطح واقعا رسیده یا نه. وقتی یادگیری فقط در سطح حفظیاته یعنی اون موارد نیست بیشتر فقط طوطی وار حفظ میکند.

یعنی شما محیطی رو برای یادگیری مناسب می دونید که بتونه تمام اون حیطه ها رو به سطح ششم برسونه؟

بله.

الان می فرمائید ما در فضای فعلی چنین شرایطی رو نداریم. فکر میکنید چه شرایطی باید باشه تا چنین فضایی ایجاد بشه؟

ما در بحث شرایط عوامل متعددی داریم. یک تشخیص نیاز دانش آموز. کارشناسی نظر متخصصین این امر، آموزش نیروی انسانی و داشتن منابع و امکانات لازم برای آموزشهایی که می خواهیم.

به طور خاص در مورد مدرسه ی شما ضعف در کدام بخش هست؟

آموزش نیروی انسانی

یعنی سایر موارد وجود داره؟ مثلا نیاز دانش آموز تشخیص داده شده؟

ببینید ما نیاز دانش آموز خودش یکی از سرشاخه های مهم است که ببینیم بنا به نیاز امروزی جامعه کتاب ما تالیف میشه یا نه، نیاز دانش آموز رو تامین میکنه یا نه. اون خیلی کلانتره و بالاتره سطحش، نمیتونیم زیاد در اون قضیه ورود کنیم. اما اولین و در دسترس ترین چیزی که وجود داره همین بخش سوم، آموزش نیروی انسانیه که متاسفانه یکی از چالش هایی که الان در آموزش و پرورش وجود داره و گپ خیلی بزرگ نیروی انسانیه. نیروهایی جذب میشن که توان کارکردن با بچه ها رو ندارن، آموزش دیده نیستن و خیلیهاشون وقتی وارد آموزش و پرورش میسن آمال و آرزوها و نگاهشون خیلی متفاوته با واقعیت.

شما خودتون در طراحی فضا چقدر نقشتون رو پررنگ می بینید؟

نمیدونم تعریف شما در حال حاضر از سواد چیه. آخرین تعریف آموزش مهارتهاست. یک شهروند جهانی شهروندیست که آموزش های مهارتی رو ببینه که بر اساس هوشهای نه گانه ی گاردنره. این نه تا رو باید در مدارس جا بندازیم. متاسفانه با توجه به اینکه ما سیستمون بسیار متمرکزه و اجازه ی خیلی از کارها رو به مدارس آموزشی نمیده و مجوزش رو ما نداریم. خیلی از این ها رو ما نمیتونیم داشته باشیم و باید بسنده کنیم به دستورالعمل ها و بخشنامه ها. یکی از مشکلاتمون این هست که باید به بخشنامه ها عمل کنیم و خلاقیتمون کمه و دسترسی به فضایی که بتونیم خلاقیت داشته باشیم نیست.

مثال میزنید جایی رو که خواستید و نشده؟

نگیم بهتره.

بحث مهارت آموزش یکی از هوشهایی که باید آموزش داده بشه هوش موسیقیه. یک فضا و مربی باید باشه. هر سه سطح رو در بچه ها درگیر میکنه اما مجوزی برای این کار رو نداریم. ...(دقیقه ی دهم، توضیح این بخش) و توان انجامش را هم نداریم. داشته باشیم هم انقدر درگیر مجوزها می شویم که مدیرها ورود نمی کنند.

از حرفهای شما این طور می فهمم که محتوا رو مهم تر از فضا می دونید در آموزش بچه ها؟

صد در صد

یعنی فضا، چیدمان، مبلمان و ... را خیلی مهم نمیدونید. برداشتم این هست

شاداب سازی فضای آموزشی مخصوصا در مقطع ابتدایی مهم هست. چون ما باید یک محیطی را فراهم کنیم که بچه ها اونجا احساس راحتی کنند و حس لذت باعث افزایش دوچندان یادگیری میشه. بی تاثیر نیست مطمئنا، یکی از شاخص های مهم آموزش ،فضای فیزیکی هست. اگر ما بتونیم فضای فیزیکی رو از اونت حالت بی روح مدرسه ای و خشک نیمکت و کلاس خارج کنیم مطمئنم تاثیر بسزایی روی یادگیری بچه ها داره. این هم بستگی به دسترسی به بخش هایی رو نیاز داره که ما باید 1. دسترسی بهش داشته باشیم امکانات مدرسه ای طوری فراهم بشه که بتونیم این کار رو انجام بدیم.

برای کاری که به نظر من مدیر در بحث فضا مهمه، خود استفاده از گیاهان و شاداب سازی فضاست. دقت کرده باشید ما در ورودی مدرسه گلدونهای مختلف گذاشتیم که بچه ها احساس کنند ما در یک محیط آرومی دارند وارد مدرسه می شوند. یا مثلا سرویس بهداشتی رو من ساختم سال گذشته، اولیا می گفتند یه چیز معمولی باشه که بچه ها استفاده کنند. من گفتم وقتی بچه امکانات خوبی در مدرسه داشته باشه خود دیدن این امکانات انرژی مثبت و خوبی به بچه انتقال میده. پس باید روی تک تک این مسائل ما دقت کنیم. فاککتورهایی که مدرسه را ببرد به سمت یک مدرسه ی استاندارد، از لحاظ کیفیت کلاسها، کیفیت گرمایشی، سرمایشی، نور کلاسها، رنگ کلاسها، همه ی اینها بنا به تحقیقاتی که روی دانش آموزان انجام دادند و یادگیری انسانها و محیطی که محیط آروم رو برای بچه ها فراهم میکنه موثره. من هم نگاهم به این قضیه مثبته. بنا به بضاعتی که توی مدرسه داریم سعی می کنیم مدرسه رو به این سمت ببریم. من خودم از سرویس بهداشتی مدرسه شروع کردم، سعی کردم که واقعا سنگ تموم بذارم روی این قضیه برای بچه ها. خود استفاده از آینه کاری توی سرویس بهداشتی برای بچه ها ، استفاده از آب گرم و اآب سرد. بحث ورزش بچه ها، یکی از راهکارهایی که مدیرها در نظم دهی بچه ها نمی بینند بحث ورزش بچه هاست. ورزش اولین روزنه ایه که بچه ها به سمت کارگروهی و دسته جمعی هدایت میشن. کار تیمی انجام بدن، هم گروهی خودش رو با خودش بکشه جلو، هم گروهیش رو تشویق کنه، با گروه ناراحت بشه، با گروه شاد بشه. اولین کاری که کردیم وسایل ورزشی بچه ها رو شروع به تکمیل کردن کردیم. زمین چمن مدرسه رو، تیر دروازه هامون رو، والیبال رو، اینها رو تکمیل کردیم و متاسفانه یکی از سیاستهای اشتباه آموزش و پرورش اینه که میگه مقطع ابتدایی معلم ورزش نمیخواد و نمیدن بهمون. اما خودم به شخصه ایستادم به جذب معلم ورزش. حق الزحمه میدم ولی شما باید حضور پیدا کنی. وقتی بچه در ساعت ورزش شکل میگیره صاف می ایسته پشت سر هم می ایسته، کارگروهی انجام میده، نظم پیدا میکنه این نظم به کلاس هم انتقال پیدا میکنه. یعنی یکی از روزنه های اصلی تکمیل کردن و چیدمان منظم اسباب ورزشی بچه هاست و به نظرم یکی از شاخصهایی که مدرسه رو باید برای بچه ها لذت بخش کنه مدرسه است. مخصوصا پسرها مزمئنم در دخترها هم این هست، یکی از زنگ هایی که بچه ها علاقمند هستند زنگ ورزش است، چون باهم لذت می برند با هم شاد میشن با همغمگین میشن و کارگروهی هم افزایی بوجود میاره و این سینرژی در زنگ ورزش بیشتر از سایر زنگ هاست. این بحث ورزشیه، در بحث آموزشی در انواع حیطه های آموزش ما سه حیطه داریم. حیطه ی تدریس مستقیم، متاسفانه اکثر مدارس تدریس مستقیمند، حیطه ی دوم حیطه ی تعاملی و حیطه ی سوم حیطه ی مساله محور. بیشتر سکان ما در حیطه ی اول است. اما بیشتر معلم ها بنا به بضاعت و امکانات حیطه ی اول رو انتخاب می کنند. معلم نقش اصلی رو داره و فقط دانش آموزها تماشاگردند و هیچ تاثیری روی کلاسها ندارند. این هم خودش ابزارها(18:10)